

سال دوم

جلسه ۵

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۹۰ / ۷ / ۹ شنبه

دلیل سوم

خاص بودن موضوع له = لحاظ «بی نهایت فرد» در هنگام وضع = محال است

اگر مرادتان لزوم «تصور تفصیلی» همه مصادیق در وضع است :
این را قبول نداریم

اگر مرادتان، تصور اجمالی است :
حرف درستی است ولی تصور اجمالی بی نهایت فرد، «محال» نیست

جواب
داده شده

تصور اجمالی (یعنی تصور مصادیق به نحو عام اصولی) راهگشای «وضع عام ؛ موضوع له خاص» نیست.

علت : همانطور که لحاظ جزئی نمی تواند لحاظ کلی باشد، تصور کلی هم به هیچ وجه تصور و لحاظ جزئی نیست

ما
می گوئیم

دلیل چهارم

خاص بودن موضوع له، موجب اشتراک «هذا و أنا و ..» بین تعداد «غیر محصور» است در حالی که هیچ کس به این مطلب اعتقادی ندارد!

اولا : لازمه این نوع وضع، «اشتراک لفظی» است
 مشترک لفظی جایی است که «تعدد وضع» داشته باشیم و در ما نحن فیه این گونه نیست
 ثانيا : اینکه هیچ کس به «اشتراک لفظی یک لفظ در معانی غیر محصور» اعتقادی ندارد را قبول نداریم

جواب
 داده شده

اشتراک لفظی تنها در جایی نیست که «تعدد وضع» داشته باشیم!
 هر جایی که «یک لفظ + چند معنی» باشد = اشتراک لفظی

ما
 می گوئیم

غیر محصور به معنای «بی نهایت» نیست
 بلکه به معنای «غیر معلوم العدد» است

دلیل پنجم

اکثر الفاظی که «عَلَم» نیستند، برای «مفاهیم کلی» وضع شده اند به حکم الحاق مشکوک به معلوم می گوئیم در ما نحن فیه، موضوع له عام است.

اولا : حمل بر غالب امر مسلمی نیست!

ثانیا : اگر «حمل بر غالب» را بپذیریم، مشروط به «ظن به لحوق» است در ما نحن فیه به جهت عدول متأخرین، چنین ظنی حاصل نمی شود

ثالثا : در الفاظ «غیر عَلَم»، «وضع عام ؛ موضوع له عام ؛ مستعمل فیه عام» است چگونه ما نحن فیه که «مستعمل فیه خاص» است به مواردی که مستعمل فیه عام است، ملحق می شود

مرحوم
قزوینی

حمل بر غالب، در جایی است که مسئله ای «مشکوک» باشد

در حالی که مدعیان خاص بودن در این مسأله، شکی ندارند و دلیل بر آن اقامه می کنند

ما
می گوئیم

دلیل ششم

صغری : این الفاظ در مصادیق «مفهوم کلی» استعمال می شوند
 کبری : هر چه در مصادیق یک مفهوم کلی، حقیقت است در خود آن مفهوم کلی نیز «حقیقت» است

قاعده داریم که :

هر گاه لفظی در دو معنی که دارای «قدر جامعی» هستند، استعمال شود :
 اصل آن است که برای آن «قدر جامع» وضع شده است

اشکال اول : این قاعده اصل و اساسی ندارد

اشکال دوم : این قاعده در جایی است که لفظ در قدر جامع، «کثیراً» استعمال شود
 در حالی که این لفظ در قدر جامع استعمال نمی شود

این قاعده به این صورت غلط است
 صورت صحیح قاعده :

«اگر لفظی در همه مصادیق قدر جامع استعمال شد، در آن قدر جامع حقیقت است»

مرحوم
 قزوینی

ما
 می گوئیم